

کودکان خیابانی در ایران و جهان

● چکیده:

"کودکان خیابانی به افراد زیر ۱۸ سال (اعم از دختر و پسر) اطلاق می‌گردد که در شهرهای بزرگ برای ادامه بقاء خود مجبور به کار یا زندگی در خیابان هستند." «کودک خیابانی» اصطلاحی است که اغلب هم برای توصیف «کودکان کار» و هم کودکان بی خانمانی که در خیابان زندگی می‌کنند و می‌خواهند و اغلب هیچ تماسی با خانواده‌شان ندارند اطلاق می‌شود.

سازمان بهداشت جهانی و یونیسف در اواسط دهه ۱۹۹۰ تعداد آن‌ها را ۱۰۰ میلیون نفر تخمین زده‌اند. همچنین در جهان حدود ۲۵۰ میلیون کودک کار بین سنین ۵ تا ۱۴ سال وجود دارد. در ایران آمارهای مختلف و ضد و نقیضی در مورد کودکان خیابانی اعلام می‌شود. افراد مختلف تعداد آن‌ها را از ۲۰ هزار نفر تا ۲ میلیون نفر برآورد کرده‌اند. فقر، ازهم پاشیدگی خانواده، سوء مصرف مواد و الکل توسط والدین، کودک آزاری، نیاز به درآمد کار کودک، طرد کردن کودک، قحطی و بلایای طبیعی، مهاجرت و به عنوان علل خیابانی شدن کودکان مطرح شده است.

در قوانین ایران طبق ماده ۷۹ قانون کار، به کارگماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام (پسر و دختر) ممنوع است. در حال حاضر اختصاصی‌ترین مصوبه در خصوص کودکان خیابانی «آیین‌نامه سامان‌دهی کودکان خیابانی» است که به شماره ۲۲۷۱۷/۳۲۳۸۶ ه - مورخه ۱۳۸۴/۰۵/۰۴ در هیأت دولت تصویب و جهت اجرا ابلاغ شده است. این آیین‌نامه سازمان بهزیستی کشور را موظف کرده است که با همکاری نهادهای دیگر نسبت به شناسایی، جذب، پذیرش و توانمندسازی کودکان خیابانی در کلیه مراکز استان‌ها جهت حضور کوتاه مدت، میان مدت و درازمدت کودکان خیابانی در مراکز اقامت در سه سطح اقدام کند.

● مقدمه:

پدیده کودکان خیابانی، پدیده‌ای جهانی و هشداردهنده است. تقریباً هیچ شهر و کشوری در دنیا نیست که کودک خیابانی نداشته باشد. این مشکل، هم معضل کشورهای پیشرفته است و هم کشورهای در حال رشد. اما امروزه در کشورهای فقیر آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا شیوع بیشتری دارد. فقر، ازهم پاشیدگی خانوادگی، بیماری و فوت والدین، کودک آزاری و مسامحه کاری یا ترک کردن خانواده و عدم رشد اجتماعی عوامل رایجی برای زندگی کودک در خیابان هستند.

● تعاریف:

تعریف روشنی از کودکان خیابانی وجود ندارد. مثلاً نمی‌توان گفت همه کودکانی که در خیابان هستند، بی‌خانمان هستند. اکثریت عمده آن‌ها یعنی بیش از سه چهارم تا ۹۰ درصد از این کودکان در کشورهای مختلف در حال رشد، در خیابان کار می‌کنند؛ اما در خانه زندگی می‌کنند و نان‌آور خانه هستند. «کودکان خیابانی» اصطلاحی است که اغلب هم برای توصیف «کودکان کار» و هم کودکان بی‌خانمانی که در خیابان زندگی می‌کنند و می‌خواهند و اغلب هیچ تماسی با خانواده‌شان ندارند، اطلاق می‌شود. گروه دوم در معرض بیشترین خطرات هستند. به قتل رسیدن، کودک آزاری‌های مکرر و برخوردهای بی‌رحمانه غیرانسانی با این کودکان که سنشان بین ۵ تا ۱۸ سال است، امری رایج است. آنان گاهی برای زنده ماندن به دزدی و فحشاء دست می‌زنند. این کودکان آسیب‌پذیری زیادی درمقابل بیماری‌های مقاربتی مانند ایدز دارند. [در کشورهای دیگر] تخمین زده می‌شود که ۹۰ درصد از آنان معتاد به مواد استنشاقی مانند چسب کفش و تینر رنگ هستند که باعث آسیب به کلیه و صدمات جبران‌ناپذیر مغزی و در برخی موارد مرگ می‌شود.

در مورد تعریف کودکان خیابانی «لاسک» (۱۹۹۲) ۴ گروه از کودکانی که در خیابان می‌توان دید را تعریف می‌کند. هر گروه ویژگی‌های خود را دارد:

۱) گروه اول کودکان فقیری هستند که شبها به خانه‌شان برمی‌گردند. آن‌ها احتمالاً به مدرسه می‌روند و بزهکار نیستند.

۲) کودکان کارگر خیابانی که نسبتاً مستقل‌اند. پیوندهای آن‌ها با خانه در شرف از هم گسستن است و حضور آن‌ها در مدرسه در حال خاتمه دادن است و بزهکاری آن‌ها دارد شروع می‌شود.

۳) گروه سوم کودکان خانواده‌های خیابانی هستند که به همراه خانواده خود در خیابان زندگی و کار می‌کنند. وضعیت آن‌ها با فقر گره خورده است. در هندوستان به آن‌ها «ساکنین پیاده‌رو» گفته می‌شود و در امریکا آنان کودکان خانواده‌های بی‌خانمان هستند.

۴) گروه آخر کودکانی هستند که تماس خود را با خانواده قطع کرده‌اند. آن‌ها تمام وقت خود را در خیابان می‌گذرانند و کودکان خیابانی «واقعی» هستند.

● تعریف سازمان ملل متحد از کودکان خیابانی:

«پسر یا دختری که خیابان (و همچنین ساختمان‌ها و زمین‌های متروکه)، خانه و محل زندگی او شده است و تحت حمایت و نظارت کافی بزرگسالان مسؤول قرار ندارد.»

سازمان بهزیستی کشور، کودکان خیابانی را این‌گونه تعریف می‌کند:

"کودکان خیابانی به افراد زیر ۱۸ سال (اعم از دختر و پسر) اطلاق می‌گردد که در شهرهای بزرگ برای ادامه بقاء خود مجبور به کار یا زندگی در خیابان هستند."

● آمارها

تقریبا غیرممکن بتوان تعداد کودکان خیابانی را تخمین زد، هرچند که سازمان بهداشت جهانی و یونیسف در اواسط دهه ۱۹۹۰ تعداد آن‌ها را ۱۰۰ میلیون نفر تخمین زده‌اند. همچنان که جمعیت دنیا رشد می‌کند پدیده اجتماعی کودکان خیابانی افزایش می‌یابد. در همه کشورهای جهان آمار کودکان خیابانی پسر بیش از دختران است. بر طبق مطالعه‌ای که در کشورهای افریقای انجام شده در زیمبابوه ۹۵ درصد، در آنگولا ۸۴ درصد، در اتیوپی ۸۴ درصد، در زامبیا ۷۰ درصد و در سودان تقریبا ۱۰۰ درصد کودکان خیابانی مورد مطالعه مذکر بوده‌اند.

■ آسیا:

به گفته یونیسف ۲۵ میلیون کودک خیابانی در آسیا وجود دارد. در داکای بنگلادش ۱۰ هزار دختر در خیابان‌ها زندگی می‌کنند. در فیلیپین « دپارتمان رفاه و رشد اجتماعی» در سال ۱۹۹۱ تخمین زده است که ۱,۲ میلیون کودک خیابانی در این کشور وجود دارد.

وزارت رفاه اجتماعی هندوستان در سال ۱۹۹۲ تخمین زده است که از ۱۱ میلیون کودکی که در خیابان‌ها زندگی می‌کنند ۷۵,۰۰۰ تا ۲۰۰,۰۰۰ نفر آن‌ها در کلکته هستند. موسسات هند می‌گویند در حال حاضر این تعداد بیشتر شده و احتمالا مرگ والدین به علت ایدز باعث شده که آمار آن‌ها به سرعت افزایش یابد.

تعداد کودکان خیابانی ویتنام را از ۱۹,۰۰۰ تا ۲۰۰,۰۰۰ تخمین زده‌اند. یونیسف تخمین می‌زند که در ویتنام ۱۶,۰۰۰ کودک خیابانی، ۲۰,۰۰۰ کودک قربانی روسپی‌گری و ۴,۳۰۰ کودک معتاد وجود دارد.

■ افریقا:

تخمین زده می‌شود که ۱۰ میلیون کودک خیابانی در افریقا وجود دارد (۱۹۹۸). امروزه در این قاره ۷/۱۰ میلیون کودک یتیم وجود دارد که به علت ویروس HIV والدین خود را از دست داده‌اند و اعضای خانواده‌ای که بتوانند از آن‌ها مراقبت نمایند، رفته رفته کم می‌شوند. بسیاری از این کودکان به خیل کودکانی که قبلا به علت فقر، جنگ و درگیری‌های قومی در خیابان بوده‌اند، می‌پیوندند. اتیوپی از فقیرترین کشورهای جهان است. جمعیت آن حدودا ۵۵ میلیون نفر است و نصف این جمعیت زیر ۱۵ سال سن دارند. ۸۵ درصد از جمعیت این کشور در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. یک مطالعه در سال ۱۹۹۴ تخمین زد که فقط در آدیس‌آبابا، پایتخت اتیوپی، تعداد کودکان خیابانی ۴۰ هزار نفر است که ۱۰ هزار نفر آن‌ها بدون هیچ مراقبت و حمایتی در خیابان‌ها زندگی و کار

می‌کنند. در مصر تعداد کودکان خیابانی، فراوان و در حال افزایش است. تخمین‌ها در این مورد شمار این کودکان را بین ۲۰۰ هزار نفر تا ۱ میلیون نفر اعلام می‌دارند.

▪ امریکای لاتین:

آمریکای لاتین شامل کشورهای چوآن آرژانتین، بولیوی، شیلی، پرو، اروگوئه، برزیل، کاستاریکا، جامائیکا، جمهوری دومینیکن، گواتمالا، اکوادور، مکزیک و السالوادور است. در سال ۱۹۹۶ «بانک توسعه بین‌المللی» و «یونیسف» تخمین زدند که از کل جمعیت ۵۰۰ میلیون نفری آمریکای لاتین، ۴۰ میلیون کودک در خیابان‌ها کار و زندگی می‌کنند. این بدان معناست که حدود ۴۵ درصد از کودکان امریکای لاتین، کودک خیابانی هستند. در امریکای مرکزی اکثر کودکان خیابانی در سنین بین ۱۰ تا ۱۷ سال هستند و تقریباً ۲۵ درصد آن‌ها دخترند.

دولت مکزیک تخمین زده است که در این کشور ۲ میلیون کودک خیابانی وجود دارد. در برزیل ۷ میلیون کودک از خانه طرد شده‌اند، یا بی‌خانمان هستند (WHO) ۱۹۹۴. (از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴ در این کشور حدود ۴۶۰۰ کودک خیابانی به قتل رسیده‌اند (لوس آنجلس تایمز). در کلمبیا نیز کودکان خیابانی آماج قتل‌های گروهی هستند. در سال ۱۹۹۳، ۲۱۹۰ نفر از آن‌ها کشته شده‌اند (اُتاوا سان ۱۹۹۶).

▪ اروپا و امریکای شمالی:

تخمین زده شده است که در هلند ۷۰۰۰ نفر، در فرانسه ۱۰,۰۰۰ نفر، در ایرلند ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر، در ترکیه ۶۰۰۰ تا ۷۰۰۰ نفر و در بخارست رومانی ۱۰۰۰ نفر کودک خیابانی وجود دارد.

▪ روسیه:

حدود ۱۶۰ میلیون نفر یا تقریباً ۴۰ درصد از مردم روسیه در فقر زندگی می‌کنند. تخمین زده می‌شود که ۱ تا ۴ میلیون کودک خیابانی در روسیه وجود دارد و همچنین هر ساله ۵۰,۰۰۰ کودک در روسیه از خانه‌های خود فرار می‌کنند. همچنین گزارش شده است که در مسکو ۵۰۰۰ کودک و نوجوان از خانه طرد می‌شوند و به خیابان‌ها روی می‌آورند.

▪ ایالات متحده:

دولت مرکزی ایالات متحده گزارش داده است که حدود ۵۰۰ هزار کودک زیر ۱۸ سال از خانه فرار کرده‌اند یا (توسط والدین) از خانه طرد شده‌اند.

▪ در ایران

آمارهای مختلف و ضد و نقیضی در مورد کودکان خیابانی اعلام می‌شود، افراد مختلف بنا به سلیقه و نظر خود تعداد آن‌ها را از ۲۰,۰۰۰ نفر تا ۲ میلیون نفر برآورد کرده اند.

در خرداد ماه سال ۱۳۸۲ در همایش بررسی آسیب‌های اجتماعی، تعداد آنان ۵۰۰ هزار نفر اعلام شد.

در سال ۱۳۸۲، ۳۱ هزار کودک خیابانی توسط سازمان بهزیستی جمع‌آوری و سامان‌دهی شد که ۸۰ درصد آن‌ها کودکان کار بودند، ۲۴ هزار و ۷۰۰ نفر آن‌ها مربوط به تهران بوده است که از سطح شهر و پایانه‌های مسافربری جمع‌آوری شدند و حدود ۷۰۰ نفر آن‌ها از اتباع افغان بودند. در سال ۱۳۸۳ نیز ۱۴ هزار و ۲۶۹ کودک خیابانی در کشور پذیرش شده‌اند. در سال ۱۳۸۶ نیز ۱۲ هزار و ۵۰۰ کودک کار و خیابان در مراکز بهزیستی کشور پذیرش شده‌اند.

● تحقیقات در مورد کودکان خیابانی ایران

دلایل زیادی برای کار و زندگی کودکان در خیابان وجود دارد. برخی از این علل عبارتند از: فقر، ازهم پاشیدگی خانواده، سوء مصرف مواد و الکل توسط والدین، کودک آزاری، نیاز به درآمد کار کودک، طرد کردن کودک، قحطی و بلایای طبیعی، از دست دادن والدین به سبب حوادث و بیماری و ایدز، مهاجرت و.....

-در سال ۱۳۷۷ مطالعه‌ای توسط یونیسف بر روی کودکان خیابانی تهران صورت گرفته است. بر اساس این پژوهش، مهاجرت، تعداد زیاد افراد خانواده، ازهم پاشیدگی خانواده، آزارهای جسمی و روانی در خانواده، بی‌سوادی والدین و فقدان مهارت‌های حرفه‌ای والدین از فاکتورهای مرتبط با حضور کودکان در خیابان‌ها است. بر اساس این مطالعه ۶۰ درصد بچه‌های خیابان از مهاجرینی هستند که خود دو گروه را تشکیل می‌دهند. مهاجرین از شهرستان به تهران و مهاجرین خارج از کشور به ایران (عراقی‌ها و افغانی‌ها). بقیه بچه‌های خیابان به علت فقر خانوادگی در خیابان‌ها مشغول به کار هستند و گروهی دیگر به دلیل شرایط نابهنجار خانوادگی و اختلافات شدید از خانواده فرار کرده‌اند و چون جایی برای خواب ندارند، به پارک‌ها و میادین، خانه‌های متروک و زیر پل‌ها پناه می‌برند.

-بر طبق نتایج پژوهشی که دکتر سید حسن حسینی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۱ با همکاری دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی بر روی وضعیت کودکان خیابانی در ایران و سایر کشورها و راهکارهای اجرایی و مداخله‌گرانه انجام داده است، ۹۵ درصد کودکان خیابانی از جنس پسر هستند و ۹۰ درصد کودکان خیابانی با پدر و مادر زندگی می‌کنند که در اکثر موارد، والدین آن‌ها بی‌سواند و تعداد اعضای خانواده‌شان از ۵ تا ۱۰ نفر متغیر بوده و میانگین آن ۸ نفر است. ۸۰ درصد خانواده آن‌ها مهاجر هستند که ۴۴ درصد از روستاها و شهرهای دیگر و ۳۶ درصد مهاجران افغانی هستند.

-دکتر فاطمه قاسم زاده در تحقیقی که در سال ۸۰ با همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی بر روی ۵۸۵ نفر از کودکان کار خیابانی انجام گرفت، به این نتایج دست یافت:

در زمینه رشد اجتماعی، ۸۰ درصد این کودکان دچار پرخاشگری و خشونت، ۵۰ درصد آن‌ها به سرقت، ۴۱ درصد خرید و فروش مواد مخدر، ۸۵ درصد تخریب اموال عمومی، ۵۴ درصد بی توجهی به حقوق دیگران و مشکل در برقراری ارتباط و همچنین ۵۵ درصد این کودکان نیز به بزهکاری تمایل داشته‌اند. در این کودکان حس حسادت، انتقام جویی و خصومت، بی ثباتی و بی قراری، بی اعتمادی به دیگران، بد بینی و منفی گرایی، افسردگی، اضطراب، احساس ناامنی و ترس به وفور دیده می‌شد.

۸۰ درصد این کودکان دچار کاهش قد، ۸۶ درصد کاهش وزن، ۷۷ درصد بیماری‌های دهان و دندان، ۷۳ درصد بیماری‌های چشم، ۶۱ درصد بیماری‌های دستگاه تنفسی، ۶۴ درصد بیماری‌های قلبی، ۶۰ درصد بیماری‌های گوش و حلق و بینی، ۸۲ درصد بیماری‌های پوست و ۶۰ درصد دارای بیماری‌های دستگاه گوارشی هستند. وی با بیان این‌که ۵۶ درصد این کودکان بی سواد هستند، اظهار داشت: ۳۲ درصد دچار مشکل کمبود حافظه، ۳۰ درصد مشکلات یادگیری، ۶۱ درصد کمبود خفیف ذهنی، ۲۱ درصد کمبود کنجکاوی، ۶۴ درصد کمبود شناخت محیط و ۶۱ درصد دارای مشکلات گفتاری هستند.

بر طبق پژوهشی در بندرعباس (رامشک، ۱۳۸۱) ۶۵ درصد کودکان خیابانی بی سواد هستند، ۱۴،۶ درصد در مقطع ابتدایی و ۲،۱ درصد در مقطع راهنمایی تحصیل می‌کنند و ۱۸،۱ درصد ترک تحصیل کرده‌اند. ۸۴،۷ درصد از این کودکان با پدر و مادر یا بستگان‌شان زندگی می‌کنند، ۱۸،۱ درصد از آنان هیچ ارتباطی با والدین خود ندارند، ۱۴،۶ درصد هر چند ماه یک بار، ۷ درصد هر هفته یک بار و ۲،۱ درصد هر چند روز یک بار والدین خود را می‌بینند.

● کودکان کار

هر ساله درصدی از کودکان به دلایل مختلف ترک تحصیل می‌کنند و به کارهایی مانند واکس‌زنی، پاک کردن شیشه ماشین، فال فروشی، بادکنک فروشی، آدامس فروشی، جمع‌آوری نان خشک و وسایل فلزی در زباله‌ها و دعا فروشی در سر چهارراه‌ها، بازارها و یا مکان‌های شلوغ و پرترافیک می‌پردازند و ساعت‌هایی طولانی در معرض آلودگی‌های اجتماعی قرار می‌گیرند.

کار کودک در ابتدا واژه‌ای بود که در معنای استخدام کودکان در کارخانه‌ها به کار می‌رفت، اما این واژه اکنون به طور کلی به کارهایی که کودکان انجام می‌دهند به ویژه کارهایی که از تحصیل آن‌ها جلوگیری می‌کند یا برای سلامتی آن‌ها مضر است، اطلاق می‌شود. از آن‌جا که این کودکان نمی‌توانند مانند بزرگسالان از حقوق خود دفاع

کنند و کسی نیز از آنان حمایت نمی‌کند، بیشتر مورد بهره‌کشی و اذیت و آزار والدین و کارفرمایان قرار می‌گیرند. البته در برخی موارد کار کردن کودک می‌تواند برای وی و خانواده‌اش مفید باشد و کار کردن و کسب درآمد می‌تواند تجربه مثبتی در رشد کودک داشته باشد. این امر تا حدّ زیادی بستگی به سن کودک، شرایطی که در آن کار می‌کند و به این موضوع بستگی دارد که آیا کار کودک جلوی رفتن او به مدرسه را می‌گیرد یا خیر.

اما به طور کلی کار کردن ممکن است تأثیرات درازمدت جسمی و روانی بر کودکان بگذارد و می‌تواند باعث ضایعات جبران‌ناپذیری در کودک شود که منجر به ناتوانی دایمی شود. کودکانی که درگیر چنین فعالیت‌هایی هستند، به اقتضای ساعات کاری طولانی و مواجهه با استرس‌های جسمی، اجتماعی و روانی، از بالقوه‌ها و از کودکی خود محروم می‌شوند. کار کودک سوای این‌که برای رشد کامل شناختی و اجتماعی کودک زیان آور است، گاهی باعث بد رفتاری‌های جسمی و روانی با او نیز می‌شود. درآمد کم، مسؤولیت زیاد و محروم شدن از تحصیل همه در پایین آوردن منزلت و عزت نفس کودکان کار سهم دارند. یک مطالعه در کنیا در نایروبی نشان داد که ۹۰ درصد از ۵۰۰ کودک ۶ تا ۱۵ ساله‌ای که در منازل کار می‌کردند، از آشفتگی‌های شدید روانی رنج می‌بردند، سن‌شان بیشتر از آن‌چه بودند را نشان می‌داد و دچار افسردگی و کاهش عزت نفس شده بودند. بیشتر این کودکان مشکلات مربوط به خواب داشتند، به کارفرماهای خود واکنش فوبیک نشان می‌دادند و دچار شب‌اداری بودند.

■ آمار کودکان کار

«سندوق جهانی کودکان سازمان ملل متحد» (یونسف) تخمین می‌زند که در کشورهای جهان به ویژه کشورهای در حال رشد، ۲۵۰ میلیون کودک بین سنین ۵ تا ۱۴ سال کار می‌کنند. حدود ۱۲۰ میلیون از این کودکان زیر سن ۱۵ سال، به صورت تمام وقت کار می‌کنند و ۱۳۰ میلیون کودک دیگر به صورت پاره وقت کار می‌کنند. برطبق تخمین‌های جدید (ILO سازمان بین‌المللی کار) نیز ۲۱۸ میلیون کودک کار در سنین ۵ تا ۱۷ سال در کشورهای در حال توسعه وجود دارند. از این تعداد ۱۲۲,۳ میلیون کودک در منطقه آسیا و پاسیفیک زندگی می‌کنند. ۴۹,۳ میلیون نفر در افریقا و ۵,۷ میلیون کودک در امریکای لاتین و کارائیب کار می‌کنند. شمار کودکانی که در کارهای دشوار کار می‌کنند و آن‌ها را بدترین اشکال کار کودک می‌نامند، در سال ۲۰۰۶، ۱۲۶ میلیون نفر بود. اکثر کودکان کار (۷۰ درصد) درگیر کارهای کشاورزی هستند، در حالی که فقط ۹ درصد در کارهای صنعتی اشتغال دارند، همچنین در کشورهای آنگولا، برمه، کلمبیا، کنگو، لیبریا، سودان و اوگاندا گاهی از کودکان در درگیری‌های نظامی استفاده می‌شود.

در ایران بر اساس آمارهای رسمی، ۳۸۰ هزار کودک ۱۰ تا ۱۴ ساله در سراسر کشور کار ثابت دارند و حدود ۳۷۰ هزار کودک در همین سن به عنوان کارگر فصلی مشغول به کارند. یعنی در ایران رسماً بیش از ۷۰۰ هزار

کودک کار می‌کنند (روزنامه‌ی ایران، ۱۳۸۳/۱۰/۲۹). البته در ۲۹ فروردین ۱۳۸۶ در صدای جمهوری اسلامی ایران تعداد کودکان کار ۷ میلیون نفر اعلام شد که احتمالا به اشتباه یک صفر اضافه ذکر شده است!

● قوانین مربوط به کار کودکان در ایران و جهان

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۹ (۱۳۶۸) به اتفاق آراء پیمان‌نامه حقوق کودک را تصویب کرد. ماده ۳۲ این پیمان‌نامه، دولت‌های عضو را موظف نموده است با هرگونه سوءاستفاده و بهره‌کشی اقتصادی از کودکان مقابله نموده و زمینه‌های رشد ذهنی، جسمی، روانی، و اجتماعی تمام کودکان را فراهم کند.

پیمان‌نامه حقوق کودک و کنوانسیون ۱۳۸ «حداقل سن کار کودکان» مصوب ۲۶ ژوئن ۱۹۷۳ و کنوانسیون ۱۸۲ «ممنوعیت بدترین اشکال کار کودکان» مصوب ژوئن ۱۹۹۹ از اقدامات موثر بین‌المللی بوده است. جمهوری اسلامی ایران در تاریخ چهاردهم مهرماه سال ۱۳۷۰ پیمان جهانی حقوق کودک را امضا کرد و در اسفند سال ۱۳۷۳ مفاد پیمان‌نامه به تصویب مجلس اسلامی رسید. همچنین ایران در تاریخ ۱۳۸۰/۸/۸ به مقاله‌نامه شماره ۱۸۲ حقوق بنیادین کار پیوسته است.

در قوانین ایران طبق ماده ۷۹ قانون کار: به کارگماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام (پسر و دختر) ممنوع است. کارفرمایانی که افراد کمتر از ۱۵ سال را به کار بگمارند، مستوجب مجازات خواهند بود. ضمنا باید کودکان را به کاری گماشت که برای وی زیان آور نباشد. البته طبق ماده ۱۸۸ قانون کار، کارگران کارگاه‌های خانوادگی که انجام کار آن‌ها منحصرأ توسط صاحب کار، همسر و خویشاوندان نسبی درجه یک انجام می‌شود، مشمول مقررات قانون کار نمی‌باشد.

از سوی دیگر، ماده ۸۰ قانون کار، کارگری را که بین ۱۵ تا ۱۸ سال سن دارد، کارگر نوجوان می‌نامد و تاکید می‌ورزد که چنین کارگری در بدو استخدام باید از سوی سازمان تامین اجتماعی مورد آزمایش‌های پزشکی قرار گیرد. ماده ۸۲ قانون کار، ساعات کار روزانه کارگر نوجوان را نیم ساعت کمتر از ساعت کار معمولی کارگران تعیین می‌کند و ترتیب استفاده از این امتیاز را موکول به توافق کارگر و کارفرما می‌سازد.

در ماده ۸۳ قانون کار به تاکید آمده است: «ارجاع هر نوع کار اضافی و انجام کار در شب و نیز ارجاع کارهای سخت و زیان آور و خطرناک و حمل بار با دست بیش از حد مجاز، استفاده از وسایل مکانیکی، برای کارگر نوجوان ممنوع است». و سرانجام ماده ۸۴ قانون کار یادآور می‌شود: «در ارتباط با مشاغل و کارهایی که به علت ماهیت آن و یا شرایطی که کار در آن انجام می‌شود برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان و نوجوانان زیان آور است، حداقل سن کار ۱۸ سال تمام خواهد بود [نه ۱۵ سال]. تشخیص این امر با وزارت کار و امور اجتماعی است.

دوازدهم ژوئن، ۲۲ خرداد، روز جهانی مبارزه علیه کار کودک است.

● فعالیت‌های جهانی برای کودکان خیابانی

آموزش خیابانی روش بسیار مؤثری برای حمایت از بچه‌های خیابانی به شمار می‌رود؛ زیرا این کار در محل زندگی آن‌ها انجام می‌گیرد. آموزش خیابانی می‌تواند دربرگیرنده اشکال متعددی از فعالیت‌ها باشد. مثلاً راهنمایی در مورد آثار زیانبار مواد مخدر یا در مورد پیشگیری از بیماری‌های مقاربتی، ارتقای سواد و آموزش مهارت‌های زندگی.

سازمان بهداشت جهانی برای بهبود وضعیت بهداشت کودکان خیابانی پروژه‌ای را در مورد مصرف مواد روان‌گردان در بین کودکان خیابانی تهیه کرده است. در ابتدا این پروژه در هفت کشور انجام شد و یک مجموعه آموزشی پیش‌نویس تهیه شد. بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۷ این پروژه توسط ۷۰ نفر از متخصصین، مربیان خیابانی، افراد داوطلب و دیگران آموزش داده شد. این مجموعه آموزشی از دو قسمت تشکیل شده است: قسمت اول شامل بخش‌های آموزشی در مورد مصرف مواد، بهداشت جنسی، ایدز و بیماری‌های مقاربتی است. قسمت دوم نکات آموزشی نامیده می‌شود. که نظراتی در مورد نحوه آموزش ارائه می‌کند و در برگیرنده اطلاعاتی در مورد موضوعات خاص است.

هندوستان از جمله کشورهایی است که به شدت به موضوع کودکان خیابانی درگیر است. از این رو سازمان‌ها و نهادهای متعددی در این حوزه فعالیت می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها سازمان مراقب کودکان شاغل (CWC) می‌باشد. معتقد است که مشکل کودکان شاغل را می‌توان در چارچوب شرایط موجود نیز رفع نمود. سازمان مراقب کودکان شاغل از سال ۱۹۸۰ در زمینه کار کودک فعالیت داشته است. خط تلفن ۴ رقمی ۱۰۹۸ نیز خدمات اضطراری برای کودکان نیازمند مراقبت و حمایت در نقاط مختلف کشور هندوستان فراهم می‌آورد.

در اکثر کشورهای جهان برای برخی از کودکان خیابانی که بی‌خانمان هستند از طرف دولت‌ها یا سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های بین‌المللی سرپناه‌هایی احداث شده است. یکی از این پناهگاه‌ها، "دن بسکو (Don Bosco)" است که در کشورهای مختلف جهان از جمله هند فعال است. سرپناه "دن بسکو" در هندوستان، یک مرکز شبانه روزی است که در نزدیکی یکی از ایستگاه‌های راه آهن بمبئی قرار دارد و کودکان به راحتی می‌توانند وارد آن شوند. ۷۰ نفر از این کودکان و نوجوانان به خواست خود به مدرسه می‌روند. پس از رسیدن به سن ۱۴ سالگی، با توجه به استعداد و علاقه نوجوانان به آن‌ها مهارت‌های مختلفی آموخته می‌شود (نجاری، مکانیکی، کار با کامپیوتر و غیره). در ساعات پس از مدرسه و یا کار روزمره، بچه‌ها می‌توانند به تفریحات سالم، فعالیت‌های هنری و یا کاردستی بپردازند. یکی از خصوصیات مهم سرپناه "دن بسکو"، مشارکت خود کودکان و نوجوانان در اداره امور سرپناه (از جمله خرید، نظافت و طبخ غذا) است. خدمات دیگری که "دن بسکو" ارائه می‌نماید، عبارتند از: تماس با کودکان در خیابان‌ها، آموزش در خیابان، بازپروری کودکان معتاد، اطلاع رسانی در مورد بیماری ایدز و آموزش مددکاری به نوجوانان بزرگتر سرپناه.

اولین کوشش‌ها برای مبارزه با کار کودک در فیلیپین عمدتاً محدود به وضع قوانین می‌باشد. اکنون به موجب قانون کار کودکان زیر ۱۵ سال در خارج از خانه و نیز کارهای خطرناک برای کودکان زیر ۱۸ سال ممنوع است و از کودکانی که به طور قانونی کار می‌کنند، حمایت می‌شود. رویکرد فیلیپین با کار کودک به روشنی نشان می‌دهد که ریشه‌های آن در افکار و اقدامات جامعه مدنی است و نه دولت و اهداف آن بر نیازهای مشخص کودکان تمرکز دارد. این نقطه نظر، کار کودک را فقط آن کاری می‌داند که کودک را در معرض خطر قرار می‌دهد. در نتیجه به طور طبیعی دست به اقداماتی می‌زند تا کودکان را در مقابل خطرات ناشی از کار حمایت نماید، بدون آن که لزوماً آن‌ها را از هر گونه کاری بر حذر دارد.

● تاریخچه ساماندهی کودکان خیابانی در ایران

در بهمن ماه سال ۱۳۷۷ طی جلسات متعدد کارشناسی پیش نویس توافق نامه‌ای در خصوص جمع آوری، پذیرش، طبقه بندی و نگهداری کودکان خیابانی بین معاون امور اجتماعی استانداری، شهرداری تهران، کانون اصلاح و تربیت، بهزیستی استان تهران، اداره سرپرستی دادگستری تهران، معاونت انتظامی امنیتی تهران بزرگ و معاونت دادگستری کل استان تهران تهیه گردید.

از مهر ماه سال ۱۳۷۸ در ۱۶ استان کشور طرح «مراکز شناسائی، تشخیص و جایگزینی کودکان خیابانی» توسط سازمان بهزیستی کشور به مرحله اجرا درآمد. در سال ۱۳۸۰ تعداد مراکز به ۲۱ عدد رسید و ۵۰۵۰ کودک خیابانی در این مراکز پذیرش و ساماندهی گردیدند. البته شهرداری تهران نیز در این سال‌ها مبادرت به تاسیس دو مرکز به نام‌های "خانه سبز" مخصوص پسران (در فروردین ماه ۱۳۷۸) و "خانه ریحانه" مخصوص دختران (در مهر ماه ۱۳۷۸) نمود که هدف از راه اندازی آن‌ها جمع آوری کودکان خیابانی دختر و پسر از سطح خیابان‌ها و نگهداری و طبقه بندی آنان بود. اما در سال ۱۳۸۱ این دو مرکز به علت هزینه زیاد تعطیل شدند.

با توجه به رشد معضل کودک خیابانی، در اردیبهشت سال ۱۳۸۱ طرحی دیگر تحت عنوان «طرح ساماندهی بیست هزار کودک خیابانی» توسط سازمان بهزیستی کشور تهیه و در شورای اجتماعی تصویب گردید و تا پایان سال ۱۳۸۱ تعداد مراکز در سراسر کشور به ۴۲ مرکز کودکان خیابانی و ۶ مهمانسرای سلامت (پناهگاه) کودکان کار رسید.

● آئین نامه ساماندهی کودکان خیابانی

«آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی» به منظور ارایه حمایت‌های اجتماعی، توانمندسازی اجتماعی و آموزش فنی و حرفه‌ای و مهارت‌های زندگی به کودکان خیابانی بنا به پیشنهاد وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، در هیأت دولت به شماره ۲۲۷۱۷/۳۲۳۸۶ ه - مورخه ۱۳۸۴/۰۵/۰۴ تصویب و جهت اجرا ابلاغ شده است. این آیین‌نامه در

پنج فصل و دوازده ماده تدوین گردیده است و در حال حاضر اختصاصی‌ترین مصوبه در خصوص کودکان خیابانی و در بالاترین سطح قانونی می‌باشد. براساس این مصوبه وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت بهداشت، سازمان بیمه خدمات درمانی، شهرداری، نیروی انتظامی، دادگستری، وزارت آموزش و پرورش و کمیته امداد امام، موظف به همکاری در خصوص کودکان خیابانی شده‌اند. این آیین‌نامه سازمان بهزیستی کشور را موظف کرده است که با همکاری و مشارکت شهرداری، انجمن‌های خیریه، تشکل‌های غیردولتی و نیروی انتظامی و با استفاده از مددکاران اجتماعی در قالب تیم تخصصی سیار یا مستقر در مراکز که با همکاری شهرداری‌ها سازماندهی می‌شوند، نسبت به شناسایی، جذب، پذیرش و توانمندسازی کودکان خیابانی در کلیه مراکز استان‌ها و در صورت لزوم در شهرهای بالای ۲۰۰ هزار نفر جهت حضور کوتاه مدت، میان مدت و درازمدت کودکان خیابانی در مراکز اقامت در سه سطح اقدام کند.

براساس این آیین‌نامه اقامت کوتاه مدت به حضور کودک خیابانی در مرکز اقامت حداکثر به مدت ۲۱ روز، اقامت میان مدت بیشتر از ۲۱ روز تا پایان یک سال و اقامت درازمدت شامل حضور کودک خیابانی بی‌سرپرست و یا بدسرپرست در مراکز شبانه‌روزی تا پایان ۱۸ سالگی مطابق با آیین‌نامه مراکز شبانه‌روزی سازمان بهزیستی است. وزارت رفاه نیز هماهنگی اجرایی این آیین‌نامه را بر عهده خواهد داشت و هر ۶ ماه یک بار گزارش‌ها و اقدامات انجام یافته را تحلیل و جمع‌بندی و به شورای عالی رفاه و تامین اجتماعی ارائه می‌کند.

● مشاوره با کودکان خیابانی

مطالعات بسیاری در مورد کودکان خیابانی نشان داده‌اند که آسیب‌های روانی در کودکان خیابانی شیوع زیادی دارد. بیشتر این آسیب‌ها مربوط به کودک آزاری و محیط آشفته و مسامحه کاری است که این کودکان از آن‌ها می‌آیند. این امر با سبک زندگی که در خیابان‌ها در پیش می‌گیرند، تشدید می‌شود.

پیش از هر مداخله، لازم است یک ارتباط مثبت با کودک "Rapport" ایجاد شود. بسیاری از این کودکان، تجارب آسیب‌زایی در مواجهه با بزرگسالان داشته‌اند و به آنان اعتماد نمی‌کنند. برخی از آن‌ها به علت خشونت و اعتیاد خانواده، خانه را ترک گفته‌اند و به خیابان روی آورده‌اند و در آنجا یاد گرفته‌اند به یکدیگر تکیه کنند و به دیگران اعتماد نکنند.

لذا افرادی که با کودکان خیابانی کار می‌کنند لازم است با این کودکان حساس، صبورانه و بدون قضاوت برخورد کنند. اکثر این کودکان، وقتی کسی با کاغذ و قلم به سراغشان می‌آید، نگران می‌شوند که این همه سؤال را برای چه می‌پرسد. یک اسباب بازی کوچک مانند یویو وسیله خوبی برای ایجاد توجه است. در کنار کودکان بودن برای مدت طولانی و پیوستن به بازی‌های آن‌ها (بدون داشتن وسایل و دفتر یادداشت) بهترین راه برای تماس برقرار کردن با آن‌هاست.

روش‌های مختلف ارزیابی روانی کودک شامل موارد زیر است:

مشاهده، مصاحبه، پرسشنامه و آزمون، مقیاس درجه بندی، شرح حال نویسی.

آزمون‌های روانی شامل موارد زیر هستند:

آزمون هوش و کسلر، مازها، نقاشی گودایناف، آزمون‌های شخصیت CAT، -MMPI-2، کتل، آزمون‌های پیشرفت تحصیلی، شامل (DAP (draw a person) کشیدن نقاشی آدم)، جملات ناتمام، CAT و بندرگشتالت.

▪ مداخلات روانشناختی:

در کار با کودکان خیابانی از روش‌های مختلف مشاوره فردی و گروهی، خانواده درمانی، درمان حمایتی، مداخله در بحران، آموزش ابراز وجود، نظارت بر خود و خودکنترلی می‌توان استفاده کرد.

در سال‌های اخیر، تکنیک‌های درمانی از قبیل موسیقی درمانی، هنر درمانی، بازی درمانی، رقص درمانی و سایکودرام، در کنار درمان‌های کلامی مرسوم به کار می‌رود. درمان با حرکات موزون بدنی، برای کودکانی که نمی‌توانند احساسات خود را به صورت کلامی نشان دهند، نوجوانانی که دردناک‌ترین خاطرات خود را مخفی می‌سازند، کودکان بزرگتری که آنقدر تنها، افسرده و سردرگم هستند که نمی‌توانند در باره تجارب آسیب‌زای زندگی خود با دیگران صحبت کنند، می‌تواند مفید واقع شود. درمان با تحرک بدنی، ارتباط میان جسم، ذهن و روح را بالا می‌برد و باعث ارتقای انعطاف، تعادل، اعتماد به نفس و عزت نفس می‌شود و برای کودک احساس هماهنگی، کنترل و تسلط ایجاد می‌کند. بازی یکی از نیازهای اساسی کودکان است. بازی درمانی به شکل‌های مختلفی انجام می‌گیرد: بازی درمانی آدلری، شناختی رفتاری و...

آموزش مهارت‌های زندگی برای کودکان فرصتی ایجاد می‌کند تا بتوانند تعدادی مهارت روانی-اجتماعی را در خود بپروراند و به آن‌ها کمک می‌کند که در زندگی روزمره، تصمیمات و رفتارهای سالمی را در پیش بگیرند.

جلسات و فعالیت‌های مهارت‌های زندگی برای کودکان خیابانی از میان حوزه وسیعی که در این زمینه وجود دارد، گلچین می‌شود تا بسته به نیازهای این کودکان، یک مجموعه کوتاه را شکل دهد.

آموزش مهارت‌های زندگی همچنین به کودکان کمک می‌کند تا مهارت‌های اجتماعی را بیاموزند و آن‌ها را تشویق می‌کند که به یکدیگر در مرکز و خارج از مرکز کمک کنند.

این جلسات از شیوه‌های فعال یادگیری مختلفی سود می‌جوید مانند ایفای نقش، بحث گروهی، بازی و فعالیت‌های دیگر.

▪ مشاوره

جلسات مشاوره به دو صورت فردی و گروهی اجرا می‌شوند.

- جلسات گروهی:

تمرکز آن بیشتر بر روی مسائلی است که در جلسات آموزشی مهارت‌های زندگی برجسته شده. در اینجا مشاور به عنوان تسهیل‌گر عمل می‌کند و به افراد کمک می‌کند. از آنجا که کودکان خیابانی پس زمینه‌هایی از درد و رنج دارند، جلسات گروهی به آن‌ها کمک می‌کند تا با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، دردهای خود را بدون مانع با یکدیگر در میان بگذارند و در بین خودشان اعتماد و حمایت ایجاد کنند.

- جلسات فردی:

مشاوره فردی، ارتباطی چهره به چهره میان مشاور و مراجع است و در آن مشاور به مثابه یک تسهیل‌گر به مراجع کمک می‌کند تا در یک روند درمانی، به اهداف مورد نظر دست یابد.

تمرکز مشاوره فردی بر روی مسایل و موضوعات عمیق عاطفی است. مشاور ابتدا با ایجاد رابطه حرفه‌ای (رپورت) و جو اعتماد و سپس با درمان رفتاری و شناختی (و غیره) به مراجع کمک می‌کند تا از این آلام آسوده گردد.

حسین اسدی‌بگی - کارشناس ارشد روانشناسی بالینی - کارشناس دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی

منابع:

«۱- کار کردن با کودکان خیابانی»، ترجمه جعفر شریفی، سازمان بهزیستی استان کردستان، انتشارات پرتو بیان ۱۳۸۴.

«۲- کودکان خیابانی در بمبئی و کلکته»، دفتر یونیسیف در تهران، ۱۳۸۱.

«۳- بررسی روش‌های گوناگون مبارزه با کار کودک»، یونیسیف و مرکز بین‌المللی رشد کودک.

«۴- کودکان و نوجوانان خیابانی»، حسن ملکی، نشر آبیژ، ۱۳۸۵.

«۵- ادبیات فارسی کنترل آسیب‌های اجتماعی در کشورهای جهان» - محمد رضا جوادی یگانه - معاونت پژوهشی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، بهمن ۱۳۸۱.

«۶- راهکارهای مناسب جهت کنترل پدیده کودکان خیابانی»، معاونت پژوهشی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی خرداد ۱۳۸۱.

۷- بررسی عوامل مؤثر در بروز و شیوع پدیده کودکان خیابانی و ارائه راهکارهای مداخله‌ای و پیشگیرانه»، مجری: دکتر سید حسن حسینی ۱۳۸۲ (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، سازمان بهزیستی کشور و دانشگاه تهران). ۸- خبرها ومقاله‌های جراید و خبرگزاری‌ها در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶.

۹- مستندات دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی بهزیستی کشور.

۱۰- سایت‌های اینترنتی مربوط به کودکان خیابانی به زبان انگلیسی.

۱۱- "Street Children in the Developing World: A Review of Their Condition" , Lewis Aptekar:"۱۹۹۳.

منبع : خبرگزاری ایسنا

کودکان خیابانی

ارسال شده در: ۱۰/۱۲/۱۳۹۰

کودکان خیابانی در ایران و جهان

چکیده

«کودکان خیابانی به افراد زیر ۱۸ سال (اعم از دختر و پسر) اطلاق می‌گردد که در شهرهای بزرگ برای ادامه بقا خود مجبور به کار یا زندگی در خیابان هستند». «کودک خیابانی» اصطلاحی است که اغلب هم برای توصیف «کودکان کار» و هم کودکان بی‌خانمانی که در خیابان زندگی می‌کنند و می‌خواهند و اغلب هیچ تماسی با خانواده شان ندارند اطلاق می‌شود. سازمان بهداشت جهانی و یونیسف در اواسط دهه ۱۹۹۰ تعداد آنها را ۱۰۰ میلیون نفر تخمین زده‌اند. همچنین در جهان حدود ۲۵۰ میلیون کودک کار بین سنین ۵ تا ۱۴ سال وجود دارد. در ایران آمارهای مختلف و ضد و نقیضی در مورد کودکان خیابانی اعلام می‌شود افراد مختلف تعداد آنها را از ۲۰,۰۰۰ نفر تا ۲ میلیون نفر برآورد کرده‌اند. فقر، از هم پاشیدگی خانواده، سوء مصرف مواد و الکل توسط والدین، کودک‌آزاری، نیاز به درآمد کار کودک، طرد کردن کودک، قحطی و بلایای طبیعی، مهاجرت و به عنوان علل خیابانی شدن کودکان مطرح شده است.

در قوانین ایران طبق ماده ۷۹ قانون کار، به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام (پسر و دختر) ممنوع است. در حال حاضر اختصاصی‌ترین مصوبه در خصوص کودکان خیابانی «آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی» است که به شماره ۳۲۳۸۶/۲۲۷۱۷ مورخه ۱۳۸۴/۰۵/۰۴ در هیأت دولت تصویب و جهت اجرا ابلاغ شده است. این آیین‌نامه سازمان بهزیستی کشور را

موظف کرده است که با همکاری نهادهای دیگر نسبت به شناسایی، جذب، پذیرش و توانمندسازی کودکان خیابانی در کلیه مراکز استان‌ها جهت حضور کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت کودکان خیابانی در مراکز اقامت در سه سطح اقدام کند.

مقدمه

پدیده کودکان خیابانی، پدیده ای جهانی و هشدار دهنده است. تقریباً هیچ شهر و کشوری در دنیا نیست که کودک خیابانی نداشته باشد. این مشکل، هم معضل کشورهای پیشرفته است و هم کشورهای در حال رشد. اما امروزه در کشورهای فقیر آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا شیوع بیشتری دارد. فقر، از هم پاشیدگی خانوادگی، بیماری و فوت والدین، کودک آزاری و مسامحه کاری یا ترک کردن خانواده و عدم رشد اجتماعی عوامل رایجی برای زندگی کودک در خیابان هستند.

تعاریف

تعریف روشنی از کودکان خیابانی وجود ندارد. مثلاً نمی توان گفت همه کودکانی که در خیابان هستند بی خانمان هستند. اکثریت عمده آنها یعنی بیش از سه چهارم تا ۹۰٪ از این کودکان در کشورهای مختلف در حال رشد در خیابان کار می کنند اما در خانه زندگی می کنند و نان آور خانه هستند. «کودکان خیابانی» اصطلاحی است که اغلب هم برای توصیف «کودکان کار» و هم کودکان بی خانمانی که در خیابان زندگی می کنند و می خوابند و اغلب هیچ تماسی با خانواده شان ندارند اطلاق می شود. گروه دوم در معرض بیشترین خطرات هستند. به قتل رسیدن، کودک آزاری های مکرر و برخوردهای بی رحمانه غیر انسانی با این کودکان که سن شان بین ۵ تا ۱۸ سال است، امری رایج است. آنان گاهی برای زنده ماندن به دزدی و فحشاء دست می زنند. این کودکان آسیب پذیری زیادی در مقابل بیماریهای مقاربتی مانند ایدز دارند. [در کشورهای دیگر] تخمین زده می شود که ۹۰٪ از آنان معتاد به مواد استنشاقی مانند چسب کفش و تینر رنگ هستند که باعث آسیب به کلیه و صدمات جبران ناپذیر مغزی و در برخی موارد مرگ می شود.

در مورد تعریف کودکان خیابانی «لاسک» (۱۹۹۲) ۴ گروه از کودکانی که در خیابان می توان دید را تعریف می کند. هر گروه ویژگی های خود را دارد:

- ۱- گروه اول کودکان فقیری هستند که شبها به خانه شان برمی گردند. آنها احتمال دارد که به مدرسه می روند و بزهکار نیستند.
- ۲- کودکان کارگر خیابانی که نسبتاً مستقلند. پیوند های آنها با خانه در شرف از هم گسستن است و حضور آنها در مدرسه در حال خاتمه دادن است و بزهکاری آنها دارد شروع می شود.
- ۳- گروه سوم کودکان خانواده های خیابانی هستند که به همراه خانواده خود در خیابان زندگی و کار می کنند. وضعیت آنها با فقر گره خورده است. در هندوستان به آنها «ساکنین پیاده رو» گفته می شود و در امریکا آنان کودکان خانواده های بی خانمان هستند.
- ۴- گروه آخر کودکانی هستند که تماس خود را با خانواده قطع کرده اند. آنها تمام وقت خود را در خیابان می گذرانند و کودکان خیابانی «واقعی» هستند.

تعریف سازمان ملل متحد از کودکان خیابانی: «پسر یا دختری که خیابان (و همچنین ساختمان ها و زمین های متروکه)، خانه و محل زندگی او شده است و تحت حمایت و نظارت کافی بزرگسالان مسؤول قرار ندارد».

۷ سازمان بهزیستی کشور، کودکان خیابانی را اینگونه تعریف می کند:

«کودکان خیابانی به افراد زیر ۱۸ سال (اعم از دختر و پسر) اطلاق می گردد که در شهرهای بزرگ برای ادامه بقا خود مجبور به کار یا زندگی در خیابان هستند».

آمارها

تقریباً غیرممکن بتوان تعداد کودکان خیابانی را تخمین زد هرچند که سازمان بهداشت جهانی و یونیسف در اواسط دهه ۱۹۹۰ تعداد آنها را ۱۰۰ میلیون نفر تخمین زده اند. همچنان که جمعیت دنیا رشد می کند پدیده اجتماعی کودکان خیابانی افزایش می یابد. در همه کشورهای جهان آمار کودکان خیابانی پسر بیش از دختران است. بر طبق مطالعه ای که در کشورهای افریقای انجام شده در زیمبابوه ۹۵٪، در آنگولا ۸۴٪، در اتیوپی ۸۴٪، در زامبیا ۷۰٪ و در سودان تقریباً ۱۰۰٪ کودکان خیابانی مورد مطالعه مذکر بوده اند.

آسیا: به گفته یونیسف ۲۵ میلیون کودک خیابانی در آسیا وجود دارد. در داکای بنگلادش ۱۰۰۰۰۰ دختر در خیابانها زندگی می کنند. در فیلیپین «پارتمان رفاه و رشد اجتماعی» در سال ۱۹۹۱ تخمین زده است که ۱۰۲ میلیون کودک خیابانی در این کشور وجود دارد.

وزارت رفاه اجتماعی هندوستان در سال ۱۹۹۲ تخمین زده است که از ۱۱ میلیون کودکی که در خیابانها زندگی می کنند ۷۵۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰۰ نفر آنها در کلکته هستند. موسسات هند می گویند در حال حاضر این تعداد بیشتر شده و احتمالاً مرگ والدین به علت ایدز باعث شده که آمار آنها به سرعت افزایش یابد.

تعداد کودکان خیابانی ویتنام را از ۱۹۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰۰ تخمین زده اند. یونیسف تخمین می زند که در ویتنام ۱۶۰۰۰۰ کودک خیابانی، ۲۰۰۰۰۰ کودک قربانی روسپی گری و ۴۰۳۰۰ کودک معتاد وجود دارد.

افریقا: تخمین زده می شود که ۱۰ میلیون کودک خیابانی در افریقا وجود دارد (۱۹۹۸). امروزه در این قاره ۱۰/۷ میلیون کودک یتیم وجود دارد که به علت ویروس HIV والدین خود را از دست داده اند و اعضای خانواده ای که بتوانند از آنها مراقبت نمایند، رفته رفته کم می شوند. بسیاری از این کودکان به خیل کودکانی که قبلاً به علت فقر، جنگ و درگیری های قومی در خیابان بوده اند پیوندند. اتیوپی از فقیرترین کشورهای جهان است. جمعیت آن حدوداً ۵۵ میلیون نفر است و نصف این جمعیت زیر ۱۵ سال سن دارند. ۸۵٪ از جمعیت این کشور در مناطق روستایی زندگی می کنند. یک مطالعه در سال ۱۹۹۴ تخمین زد که فقط در آدیسابابا، پایتخت اتیوپی، تعداد کودکان خیابانی ۴۰۰۰۰۰ است که ۱۰۰۰۰۰ نفر آنها بدون هیچ مراقبت و حمایتی در خیابانها زندگی و کار

می کنند. در مصر تعداد کودکان خیابانی، فراوان و در حال افزایش است. تخمین ها در این مورد شمار این کودکان را بین ۲۰۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰۰ اعلام می دارند.

امریکای لاتین: امریکای لاتین شامل کشورهایی چون آرژانتین، بولیوی، شیلی، پرو، اروگوئه، برزیل، کاستاریکا، جامائیکا، جمهوری دومینیکن، گواتمالا، اکوادور، مکزیک و السالوادور است. در سال ۱۹۹۶ «بانک توسعه بین الامریکایی» و یونیسف تخمین زدند که از کل جمعیت ۵۰۰ میلیون نفری امریکای لاتین، ۴۰ میلیون کودک در خیابانها کار و زندگی می کنند این بدان معناست که حدود ۴۵٪ از کودکان امریکای لاتین، کودک خیابانی هستند. در امریکای مرکزی اکثر کودکان خیابانی در سنین بین ۱۰ تا ۱۷ هستند و تقریباً ۲۵٪ آنها دخترند.

دولت مکزیک تخمین زده است که در این کشور ۲ میلیون کودک خیابانی وجود دارد. در برزیل ۷ میلیون کودک از خانه طرد شده اند یا بی خانمان هستند (WHO 1994). از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴ در این کشور حدود ۴۶۰۰ کودک خیابانی به قتل رسیده اند (لوس آنجلس تایمز). در کلمبیا نیز کودکان خیابانی آماج قتل های گروهی هستند. در سال ۱۹۹۳، ۲۱۹۰ نفر از آنها کشته شده اند (آتاوا سان ۱۹۹۶).

اروپا و امریکای شمالی: تخمین زده شده است که در هلند ۷۰۰۰ نفر، در فرانسه ۱۰۰۰۰۰ نفر، در ایرلند ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر، در ترکیه ۶۰۰۰ تا ۷۰۰۰ نفر و در بخارست رومانی ۱۰۰۰ نفر کودک خیابانی وجود دارد.

روسیه: حدود ۱۶۰ میلیون نفر یا تقریباً ۴۰٪ از مردم روسیه در فقر زندگی می کنند. تخمین زده می شود که ۱ تا ۴ میلیون کودک خیابانی در روسیه وجود دارد و همچنین هر ساله ۵۰۰۰۰۰ کودک در روسیه از خانه های خود فرار می کنند. همچنین گزارش شده است که در مسکو ۵۰۰۰ کودک و نوجوان از خانه طرد می شوند و به خیابانها روی می آورند.

در ایالات متحده، دولت مرکزی گزارش داده است که حدود ۵۰۰۰۰۰۰ هزار کودک زیر ۱۸ سال از خانه فرار کرده اند یا (توسط والدین) از خانه طرد شده اند.

در ایران آمارهای مختلف و ضد و نقیضی در مورد کودکان خیابانی اعلام می شود افراد مختلف بنا به سلیقه و نظر خود تعداد آنها را از ۲۰۰۰۰۰۰ نفر تا ۲ میلیون نفر برآورد کرده اند.

در خرداد ماه سال ۱۳۸۲ در همایش بررسی آسیب های اجتماعی، تعداد آنان ۵۰۰ هزار نفر اعلام شد.

در سال ۱۳۸۲، ۳۱ هزار کودک خیابانی توسط سازمان بهزیستی جمع آوری و ساماندهی شد که ۸۰ درصد آنها کودکان کار بودند ۲۴۷۰۰ نفر آنها مربوط به تهران بوده است که از سطح شهر و پایانه های مسافربری جمع آوری شدند و حدود ۷۰۰ نفر آنها از اتباع افغان بودند. در سال ۱۳۸۳ نیز ۱۴۲۶۹ کودک خیابانی در کشور پذیرش شده اند.

تحقیقات در مورد کودکان خیابانی ایران

دلایل زیادی برای کار و زندگی کودکان در خیابان وجود دارد. برخی از این علل اینهاست: فقر، از هم پاشیدگی خانواده، سوء مصرف مواد و الکل توسط والدین، کودک آزاری، نیاز به درآمد کار کودک، طرد کردن کودک، قحطی و بلایای طبیعی، از دست دادن والدین به سبب حوادث و بیماری و ایدز، مهاجرت و ...

-در سال ۱۳۷۷ مطالعه ای توسط یونیسیف بر روی کودکان خیابانی تهران صورت گرفته است . بر اساس این پژوهش، مهاجرت، تعداد زیاد افراد خانواده، از هم پاشیدگی خانواده، آزارهای جسمی و روانی در خانواده، بیسوادی والدین و فقدان مهارت‌های حرفه ای والدین از فاکتورهای مرتبط با حضور کودکان در خیابانها است . بر اساس این مطالعه ۶۰ درصد بچه های خیابان از مهاجرینی هستند که خود دو گروه را تشکیل می دهند . مهاجرین از شهرستان به تهران و مهاجرین خارج از کشور به ایران (عراقی ها و افغانی ها). بقیه بچه های خیابان به علت فقر خانوادگی در خیابان ها مشغول به کار هستند و گروهی دیگر به دلیل شرایط ناپهناجار خانوادگی و اختلافات شدید از خانواده فرار کرده اند و چون جایی برای خواب ندارند به پارک ها و میادین ، خانه های متروک و زیر پل ها پناه می برند .

- بر طبق نتایج پژوهشی که دکتر سید حسن حسینی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۱ با همکاری دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی بر روی وضعیت کودکان خیابانی در ایران و سایر کشورها و راهکارهای اجرایی و مداخله گرانه انجام داده است ۹۵ درصد کودکان خیابانی از جنس پسر هستند و ۹۰ درصد کودکان خیابانی با پدر و مادر زندگی می کنند که در اکثر موارد والدین آنها بی سوادند و تعداد اعضای خانواده شان از ۵ تا ۱۰ نفر متغییر بوده و میانگین آن ۸ نفر است. ۸۰ درصد خانواده آنها مهاجر هستند که ۴۴ درصد از روستاها و شهرهای دیگر و ۳۶ درصد مهاجران افغانی هستند.

- دکتر فاطمه قاسم زاده در تحقیقی که در سال ۸۰ با همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی بر روی ۵۸۵ نفر از کودکان کار خیابانی انجام گرفت، ه این نتایج دست یافت: در زمینه رشد اجتماعی ، ۸۰ درصد این کودکان دچار پرخاشگری و خشونت ، ۵۰ درصد آنها به سرقت ، ۴۱ درصد خرید و فروش مواد مخدر، ۸۵ درصد تخریب اموال عمومی ، ۵۴ درصد بی توجهی به حقوق دیگران و مشکل در برقراری ارتباط وهمچنین ۵۵ درصد این کودکان نیز به بزهدکاری تمایل داشته اند . در این کودکان حس حسادت، انتقام جویی و خصومت ، بی ثباتی و بی قراری، بی اعتمادی به دیگران، بد بینی و منفی گرایی، افسردگی ، اضطراب ، احساس ناامنی و ترس به وفور دیده می شد.

. ۸۰ درصد این کودکان دچار کاهش قد، ۸۶ درصد کاهش وزن، ۷۷ درصد بیماریهای دهان و دندان، ۷۳ درصد بیماریهای چشم، ۶۱ درصد بیماریهای دستگاه تنفسی، ۶۴ درصد بیماریهای قلبی، ۶۰ درصد بیماریهای گوش و حلق و بینی، ۸۲ درصد بیماریهای پوست و ۶۰ درصد دارای بیماریهای دستگاه گوارشی هستند.وی با بیان اینکه ۵۶ درصد این کودکان بی سواد هستند ، اظهار داشت: ۳۲ درصد دچار مشکل کمبود حافظه، ۳۰ درصد مشکلات یادگیری ، ۶۱ درصد کمبود خفیف ذهنی، ۲۱ درصد کمبود کنجکاوی، ۶۴ درصد کمبود شناخت محیط و ۶۱ درصد دارای مشکلات گفتاری هستند.

بر طبق پژوهشی در بندرعباس (رامشک، ۱۳۸۱) ۶۵٪ کودکان خیابانی بی سواد هستند، ۱۴٫۶٪ در مقطع ابتدایی و ۲٫۱٪ در مقطع راهنمایی تحصیل می کنند و ۱۸٫۱٪ ترک تحصیل کرده اند. ۸۴٫۷٪ از این کودکان با پدر و مادر یا بستگان شان زندگی می کنند، ۱۸٫۱٪ از آنان هیچ ارتباطی با والدین خود ندارند، ۱۴٫۶٪ هر چند ماه یک بار، ۷٪ هر هفته یک بار و ۲٫۱٪ هر چند روز یک بار والدین خود را می بینند.

کودکان کار

هر ساله درصدی از کودکان به دلایل مختلف ترک تحصیل می کنند و به کارهایی مانند واکس زنی، پاک کردن شیشه ماشین، فال فروشی، باد کنک فروشی، آدامس فروشی، جمع آوری نان خشک و وسایل فلزی در زباله ها و دعا فروشی در سر چهار راه ها، بازارها و یا مکانهای شلوغ و پر ترافیک می پردازند و ساعتهایی طولانی در معرض آلودگی های اجتماعی قرار می گیرند.

کار کودک در ابتدا واژه ای بود که در معنای استخدام کودکان در کارخانه ها به کار می رفت اما این واژه اکنون به طور کلی به کارهایی که کودکان انجام می دهند به ویژه کارهایی که از تحصیل آنها جلوگیری می کند یا برای سلامتی آنها مضر است اطلاق می شود. از آن جا که این کودکان نمی توانند مانند بزرگسالان از حقوق خود دفاع کنند و کسی نیز از آنان حمایت نمی کند، بیشتر مورد بهره کشی و اذیت و آزار والدین و کارفرمایان قرار می گیرند. البته در برخی موارد کار کردن کودک می تواند برای وی و خانواده اش مفید باشد و کار کردن و کسب درآمد می تواند تجربه مثبتی در رشد کودک داشته باشد. این امر تا حدّ زیادی بستگی به سن کودک، شرایطی که در آن کار می کند و بستگی به این موضوع دارد که آیا کار کودک جلوی رفتن او به مدرسه را می گیرد یا خیر.

اما به طور کلی کار کردن ممکن است تأثیرات درازمدت جسمی و روانی بر کودکان بگذارد و می تواند باعث ضایعات جبران ناپذیری در کودک شود که منجر به ناتوانی دایمی شود. کودکانی که درگیر چنین فعالیتهایی هستند، به اقتضای ساعات کاری طولانی و مواجهه با استرس های جسمی، اجتماعی و روانی، از بالقوه ها و از کودکی خود محروم می شوند. کار کودک سوای اینکه برای رشد کامل شناختی و اجتماعی کودک زیان آور است، گاهی باعث بد رفتاری های جسمی و روانی با او نیز می شود. درآمد کم، مسؤلیت زیاد و محروم شدن از تحصیل همه در پایین آوردن منزلت و عزت نفس کودکان کار سهم دارند. یک مطالعه در کنیا در نایروبی نشان داد که ۹۰٪ از ۵۰۰ کودک ۶ تا ۱۵ ساله ای که در منازل کار می کردند، از آشفتگی های شدید روانی رنج می بردند، سنّ شان بیشتر از آنچه بودند را نشان می داد و دچار افسردگی و کاهش عزت نفس شده بودند. بیشتر این کودکان مشکلات مربوط به خواب داشتند، به کارفرماهای خود واکنش فوبیک نشان میدادند و دچار شب ادراری بودند.

آمار کودکان کار

«صندوق جهانی کودکان سازمان ملل متحد» (یونسف) تخمین می زند که در کشورهای جهان به ویژه کشورهای در حال رشد، **۲۵۰ میلیون کودک** بین سنین ۵ تا ۱۴ سال کار می کنند. حدود ۱۲۰ میلیون از این کودکان زیر سن ۱۵ سال، به صورت تمام وقت کار می کنند و ۱۳۰ میلیون کودک دیگر به صورت پاره وقت کار می کنند. بر طبق تخمین های جدید ILO (سازمان بین المللی کار) نیز ۲۱۸ میلیون کودک کار در سنین ۵ تا ۱۷ سال در کشورهای در حال توسعه وجود دارند. از این تعداد ۱۲۲٫۳ میلیون کودک در منطقه آسیا و پاسیفیک زندگی می کنند. ۴۹٫۳ میلیون نفر در افریقا و ۵٫۷ میلیون کودک در امریکای لاتین و کارائیب کار می کنند شمار کودکانی که در کارهای دشوار کار می کنند و آنها را بدترین اشکال کار کودک می نامند، در سال ۲۰۰۶، ۱۲۶ میلیون نفر بود. اکثر کودکان کار (۷۰٪) درگیر کارهای کشاورزی هستند در حالی که فقط ۹٪ در کارهای صنعتی اشتغال دارند، همچنین در کشورهای آنگولا، برمه، کلمبیا، کنگو، لیبیا، سودان و اوگاندا گاهی از کودکان در درگیریهای نظامی استفاده می شود.

در **ایران** بر اساس آمارهای رسمی، ۳۸۰ هزار کودک ۱۰ تا ۱۴ ساله در سراسر کشور کار ثابت دارند و حدود ۳۷۰ هزار کودک در همین سن به عنوان کارگر فصلی مشغول به کارند. یعنی در ایران رسماً **بیش از ۷۰۰ هزار کودک** کار میکنند (روزنامه‌ی ایران، ۲۹/دی/۱۳۸۳). البته در ۲۹ فروردین ۱۳۸۶ در صدای جمهوری اسلامی ایران تعداد کودکان کار ۷ میلیون نفر اعلام شد که احتمالاً به اشتباه یک صفر اضافه ذکر شده است!

قوانین مربوط به کار کودکان در ایران و جهان

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۹ (۱۳۶۸) به اتفاق آراء پیمان نامه حقوق کودک را تصویب کرد. ماده ۳۲ این پیمان نامه، دولت های عضو را موظف نموده است با هرگونه سواستفاده و بهره کشی اقتصادی از کودکان مقابله نموده و زمینه های رشد ذهنی، جسمی، روانی، و اجتماعی تمام کودکان را فراهم کند.

پیمان نامه حقوق کودک و کنوانسیون ۱۳۸ «حداقل سن کار کودکان» مصوب ۲۶ ژوئن ۱۹۷۳ و کنوانسیون ۱۸۲ « ممنوعیت بدترین اشکال کار کودکان» مصوب ژوئن ۱۹۹۹ از اقدامات موثر بین المللی بوده است. جمهوری اسلامی ایران در تاریخ چهاردهم مهرماه سال ۱۳۷۰ پیمان جهانی حقوق کودک را امضا کرد و در اسفند سال ۱۳۷۳ مفاد پیمان نامه به تصویب مجلس اسلامی رسید. همچنین ایران در تاریخ ۱۳۸۰/۸/۸ به مقاله نامه شماره ۱۸۲ حقوق بنیادین کار پیوسته است.

در قوانین ایران طبق ماده ۷۹ قانون کار : به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام (پسر و دختر) ممنوع است. کارفرمایانی که افراد کمتر از ۱۵ سال را به کار گماردند مستوجب مجازات خواهند بود. ضمنا باید کودکان را به کاری گماشت که برای وی زیان آور نباشد. البته طبق ماده ۱۸۸ قانون کار، کارگران کارگاههای خانوادگی که انجام کار آنها منحصر توسط صاحب کار ، همسر و خویشاوندان نسبی درجه یک انجام می شود مشمول مقررات قانون کار نمی باشد.

از سوی دیگر، ماده ۸۰ قانون کار، کارگری را که بین ۱۵ تا ۱۸ سال سن دارد، کارگر نوجوان می نامد و تاکید می ورزد که چنین کارگری در بدو استخدام باید از سوی سازمان تامین اجتماعی مورد آزمایش های پزشکی قرار گیرد. ماده ۸۲ قانون کار، ساعات کار روزانه کارگر نوجوان را نیم ساعت کمتر از ساعت کار معمولی کارگران تعیین می کند و ترتیب استفاده از این امتیاز را موکول به توافق کارگر و کارفرما می سازد.

در ماده ۸۳ قانون کار به تاکید آمده است: «ارجاع هر نوع کار اضافی و انجام کار در شب و نیز ارجاع کارهای سخت و زیان آور و خطرناک و حمل بار با دست بیش از حد مجاز، استفاده از وسایل مکانیکی، برای کارگر نوجوان ممنوع است». و سرانجام ماده ۸۴ قانون کار یادآور می شود: «در ارتباط با مشاغل و کارهایی که به علت ماهیت آن و یا شرایطی که کار در آن انجام می شود برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان و نوجوانان زیان آور است، حداقل سن کار ۱۸ سال تمام خواهد بود آنه ۱۵ سال. تشخیص این امر با وزارت کار و امور اجتماعی است.

دوازدهم ژوئن ۲۲ خرداد ، روز جهانی مبارزه علیه کار کودک است.

فعالیت‌های جهانی برای کودکان خیابانی

آموزش خیابانی روش بسیار مؤثری برای حمایت از بچه های خیابانی به شمار می رود زیرا این کار در محل زندگی آنها انجام می گیرد. آموزش خیابانی می تواند دربرگیرنده اشکال متعددی از فعالیتها باشد مثلا راهنمایی در مورد آثار زیانبار مواد مخدر یا در مورد پیشگیری از بیماریهای مقاربتی، ارتقای سواد و آموزش مهارتهای زندگی.

سازمان بهداشت جهانی برای بهبود وضعیت بهداشت کودکان خیابانی پروژه ای را در مورد مصرف مواد روانگردان در بین کودکان خیابانی تهیه کرده است. در ابتدا این پروژه در هفت کشور انجام شد و یک مجموعه آموزشی پیش نویس درست شد. بین سالهای ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۷ این پروژه توسط ۷۰ نفر از متخصصین، مربیان خیابانی، افراد داوطلب و دیگران آموزش داده شد. این مجموعه آموزشی از دو قسمت تشکیل شده است: قسمت اول شامل بخشهای آموزشی در مورد مصرف مواد، بهداشت جنسی، ایدز و بیماریهای مقاربتی است. قسمت دوم نکات آموزشی نامیده می شود. که نظراتی در مورد نحوه آموزش ارائه می کند و در برگیرندن اطلاعاتی در مورد موضوعات خاص است.

هندوستان از جمله کشور هایی است که به شدت به موضوع کودکان خیابانی در گیر است. از این رو سازمانها و نهادهای متعددی در این حوزه فعالیت می کنند که مهمترین آنها سازمان مراقب کودکان شاغل میباشد. معتقد است که مشکل کودکان شاغل را می

توان در چارچوب شرایط موجود نیز رفع نمود. سازمان مراقب کودکان شاغل از سال ۱۹۸۰ در زمینه کار کودک فعالیت داشته است. خط تلفن ۴ رقمی ۱۰۹۸ نیز خدمات اضطراری برای کودکان نیازمند مراقبت و حمایت در نقاط مختلف کشور هندوستان فراهم می آورد.

در اکثر کشورهای جهان برای برخی از کودکان خیابانی که بی خانمان هستند از طرف دولت ها یا سازمانهای غیردولتی و سازمانهای بین المللی سرپناه هایی احداث شده است. یک از این پناهگاه ها، دُن بسکو Don Bosco است که در کشورهای مختلف جهان از جمله هند فعال است. سرپناه دن بسکو در هندوستان، یک مرکز شبانه روزی است که در نزدیکی یکی از ایستگاه های راه آهن بمبئی قرار دارد و کودکان به راحتی می توانند وارد آن شوند. ۷۰ نفر از این کودکان و نوجوانان به خواست خود به مدرسه می روند. پس از رسیدن به سن ۱۴ سالگی، با توجه به استعداد و علاقه نوجوانان به آنها مهارتهای مختلفی آموخته می شود (نجاری، مکانیکی، کار با کامپیوتر و غیره). در ساعات پس از مدرسه و یا کار روزمره، بچه ها می توانند به تفریحات سالم، فعالیت های هنری و یا کار دستی بپردازند. یکی از خصوصیات مهم سرپناه دن بسکو، مشارکت خود کودکان و نوجوانان در اداره امور سرپناه (از جمله خرید، نظافت و طبخ غذا) است. خدمات دیگری که دن بسکو ارائه می نماید شامل اینهاست: تماس با کودکان در خیابانها، آموزش در خیابان، بازپروری کودکان معتاد، اطلاع رسانی در مورد بیماری ایدز و آموزش مددکاری به نوجوانان بزرگتر سر پناه.

فیلیپین اولین کوشش ها برای مبارزه با کار کودک در فیلیپین عمدتاً محدود به وضع قوانین می باشد اکنون به موجب قانون کار کودکان زیر ۱۵ سال در خارج از خانه و نیز کارهای خطرناک برای کودکان زیر ۱۸ سال ممنوع است و از کودکانی که به طور قانونی کار می کنند حمایت می شود. رویکرد فیلیپین با کار کودک به روشنی نشان می دهد که ریشه های آن در افکار و اقدامات جامعه مدنی است و نه دولت و اهداف آن بر نیازهای مشخص کودکان تمرکز دارد. این نقطه نظر، کار کودک را فقط آن کاری می داند که کودک را در معرض خطر قرار می دهد در نتیجه به طور طبیعی دست به اقداماتی می زند تا کودکان را در مقابل خطرات ناشی از کار حمایت نماید بدون آنکه لزوماً آنها را از هر گونه کاری بر حذر دارد.

تاریخچه ساماندهی کودکان خیابانی در ایران

در بهمن ماه سال ۱۳۷۷ طی جلسات متعدد کارشناسی پیش نویس توافق نامه ای در خصوص جمع آوری ، پذیرش ، طبقه بندی و نگهداری کودکان خیابانی بین معاون امور اجتماعی استانداری ، شهرداری تهران ، کانون اصلاح و تربیت ، بهزیستی استان تهران ، اداره سرپرستی دادگستری تهران ، معاونت انتظامی امنیتی تهران بزرگ و معاونت دادگستری کل استان تهران تهیه گردید.

از مهر ماه سال ۱۳۷۸ در ۱۶ استان کشور طرح «مراکز شناسائی ، تشخیص و جایگزینی کودکان خیابانی» توسط سازمان بهزیستی کشور به مرحله اجرا در آمد. در سال ۱۳۸۰ تعداد مراکز به ۲۱ عدد رسید و ۵۰۵۰ کودک خیابانی در این مراکز پذیرش و ساماندهی گردیدند. البته شهرداری تهران نیز در این سالها مبادرت به تاسیس دومرکز بنامهای خانه سبز مخصوص پسران (در فروردینماه ۱۳۷۸) و خانه ریحانه مخصوص دختران (در مهر ماه ۱۳۷۸) نمود که هدف از راه اندازی آنها جمع آوری کودکان خیابانی دختر و پسر از سطح خیابانها و نگهداری و طبقه بندی آنان بود اما در سال ۱۳۸۱ این دو مرکز به علت هزینه زیاد تعطیل شدند.

با توجه به رشد معضل کودک خیابانی، در اردیبهشت سال ۱۳۸۱ طرحی دیگر تحت عنوان «طرح ساماندهی بیست هزار کودک خیابانی» توسط سازمان بهزیستی کشور تهیه و در شورای اجتماعی تصویب گردید و تا پایان سال ۱۳۸۱ تعداد مراکز در سراسر کشور به ۴۲ مرکز کودکان خیابانی و ۶ مهمانسرای سلامت (پناهگاه) کودکان کار رسید.

آئین نامه ساماندهی کودکان خیابانی : «آیین نامه ساماندهی کودکان خیابانی» به منظور ارایه حمایت های اجتماعی، توانمندسازی اجتماعی و آموزش فنی و حرفه ای و مهارت های زندگی به کودکان خیابانی بنا به پیشنهاد وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، در هیأت دولت به شماره ۳۲۳۸۶/۲۲۷۱۷ ه - مورخه ۱۳۸۴/۰۵/۰۴ تصویب و جهت اجرا ابلاغ شده است. این آیین نامه در پنج فصل و دوازده ماده تدوین گردیده است و در حال حاضر اختصاصی ترین مصوبه در خصوص کودکان خیابانی و در بالاترین سطح قانونی می باشد. بر اساس این مصوبه وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت بهداشت، سازمان بیمه خدمات درمانی، شهرداری، نیروی انتظامی، دادگستری، وزارت آموزش و پرورش و کمیته امداد امام، موظف به همکاری در خصوص کودکان خیابانی شده اند. این آیین نامه سازمان بهزیستی کشور را موظف کرده است که با همکاری و مشارکت شهرداری، انجمن های خیریه، تشکل های غیردولتی و نیروی انتظامی و با استفاده از مددکاران اجتماعی در قالب تیم تخصصی سیار یا مستقر در مراکز که با همکاری شهرداری ها سازماندهی می شوند، نسبت به شناسایی، جذب، پذیرش و توانمندسازی کودکان خیابانی در کلیه مراکز استان ها و در صورت لزوم در شهرهای بالای ۲۰۰ هزار نفر جهت حضور کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت کودکان خیابانی در مراکز اقامت در سه سطح اقدام کند.

بر اساس این آیین نامه اقامت کوتاه مدت به حضور کودک خیابانی در مرکز اقامت حداکثر به مدت ۲۱ روز، اقامت میان مدت بیشتر از ۲۱ روز تا پایان یک سال و اقامت دراز مدت شامل حضور کودک خیابانی بی سرپرست و یا بدسرپرست در مراکز شبانه روزی تا پایان ۱۸ سالگی مطابق با آیین نامه مراکز شبانه روزی سازمان بهزیستی است. وزارت رفاه نیز هماهنگی اجرایی این آیین نامه را بر عهده خواهد داشت و هر ۶ ماه یک بار گزارشها و اقدامات انجام یافته را تحلیل و جمع بندی و به شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی ارائه می کند.

مشاوره با کودکان خیابانی

مطالعات بسیاری در مورد کودکان خیابانی نشان داده اند که آسیب های روانی در کودکان خیابانی شیوع زیادی دارد. بیشتر این آسیب ها مربوط به کودک آزاری و محیط آشفته و مسامحه کاری است که این کودکان از آنها می آیند. این امر با سبک زندگی که در خیابانها در پیش می گیرند تشدید می شود.

پیش از هر مداخله، لازم است یک ارتباط مثبت با کودک Rapport ایجاد شود. بسیاری از این کودکان، تجارب آسیب زایی در مواجهه با بزرگسالان داشته اند و به آنان اعتماد نمی کنند. برخی از آنها به علت خشونت و اعتیاد خانواده، خانه را ترک گفته اند و به خیابان روی آورده اند و در آنجا یاد گرفته اند به یکدیگر تکیه می کنند و به دیگران اعتماد نکنند.

لذا افرادی که با کودکان خیابانی کار می کنند لازم است با این کودکان حساس، صبورانه و بدون قضاوت برخورد کنند. اکثر این کودکان، وقتی کسی با کاغذ و قلم به سراغشان می آید نگران می شوند که این همه سؤال را برای چه می پرسد. یک اسباب بازی کوچک مانند یویو وسیله خوبی برای ایجاد توجه است. در کنار کودکان بودن برای مدت طولانی و پیوستن به بازی های آنها (بدون داشتن وسایل و دفتر یادداشت) بهترین راه برای تماس برقرار کردن با آنهاست.

روشهای مختلف ارزیابی روانی کودک شامل موارد زیر است: مشاهده، مصاحبه، پرسشنامه و آزمون، مقیاس درجه بندی، شرح حال نویسی.

آزمونهای روانی شامل موارد زیر هستند: آزمون هوش و کسلر، مازها، نقاشی گودایناف، آزمون های شخصیت CAT ، MMPI-2، کتل، آزمونهای پیشرفت تحصیلی، شامل DAP (draw a person) (کشیدن نقاشی آدم)، جملات ناتمام، CAT و بندرگشتالت.

مداخلات روانشناختی

در کار با کودکان خیابانی از روشهای مختلف مشاوره فردی و گروهی، خانواده درمانی، درمان حمایتی، مداخله در بحران، آموزش ابراز وجود، نظارت بر خود و خودکنترلی می توان استفاده کرد.

در سالهای اخیر، تکنیکهای درمانی از قبیل موسیقی درمانی، هنر درمانی، بازی درمانی، رقص درمانی و سایکودرام، در کنار درمانهای کلامی مرسوم به کار می رود. درمان با حرکات موزون بدنی، برای کودکانی که نمی توانند احساسات خود را به صورت کلامی نشان دهند، نوجوانانی که دردناک ترین خاطرات خود را مخفی می سازند، کودکان بزرگتری که آنقدر تنها، افسرده و سردرگم هستند که نمی توانند در باره تجرب آسب زای زندگی خود با دیگران صحبت کنند، می تواند مفید واقع شود. درمان با تحرک بدنی، ارتباط میان جسم، ذهن و روح را بالا می برد و باعث ارتقای انعطاف، تعادل، اعتماد به نفس و عزت نفس می شود و برای کودک احساس هماهنگی، کنترل و تسلط ایجاد میکند. بازی یکی از نیازهای اساسی کودکان است. بازی درمانی به شکل های مختلفی انجام می گیرد: بازی درمانی آدلری، شناختی رفتاری و ...

آموزش مهارتهای زندگی برای کودکان فرصتی ایجاد می کند تا بتوانند تعدادی مهارت روانی- اجتماعی را در خود بپروراند و به آنها کمک می کند که در زندگی روزمره، تصمیمات و رفتارهای سالمی را در پیش بگیرند.

جلسات و فعالیتهای مهارتهای زندگی برای کودکان خیابانی از میان حوزه وسیعی که در این زمینه وجود دارد، گلچین می شود تا بسته به نیازهای این کودکان، یک مجموعه کوتاه را شکل دهد.

آموزش مهارتهای زندگی همچنین به کودکان کمک می کند تا مهارتهای اجتماعی را بیاموزند و آنها را تشویق میکند که به یکدیگر در مرکز و خارج از مرکز کمک کنند.

این جلسات از شیوه های فعال یادگیری مختلفی سود می جوید مانند ایفای نقش، بحث گروهی، بازی و فعالیتهای دیگر.

مشاوره

جلسات مشاوره به دو صورت فردی و گروهی اجرا می شوند.

جلسات گروهی: تمرکز آن بیشتر بر روی مسائلی است که در جلسات آموزشی مهارتهای زندگی برجسته شده. در اینجا مشاور به عنوان تسهیل گر عمل می کند و به افراد کمک می کند. از آنجا که کودکان خیابانی پس زمینه هایی از درد و رنج دارند، جلسات گروهی به آنها کمک می کند تا با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، دردهای خود را بدون مانع با یکدیگر در میان بگذارند و در بین خود شان اعتماد و حمایت ایجاد کنند.

جلسات فردی: مشاوره فردی، ارتباطی چهره به چهره میان مشاور و مراجع است و در آن مشاور به مثابه یک تسهیل گر به مراجع کمک می کند تا در یک روند درمانی، به اهداف مورد نظر دست یابد.

تمرکز مشاوره فردی بر روی مسایل و موضوعات عمیق عاطفی است. مشاور ابتدا با ایجاد رابطه حرفه ای (رپورت) و جو اعتماد و سپس با درمان رفتاری و شناختی (و غیره) به مراجع کمک می کند تا از این آلام آسوده گردد.

منابع

- ۱- «کار کردن با کودکان خیابانی»، ترجمه جعفر شریفی، سازمان بهزیستی استان کردستان، انتشارات پرتو بیان ۱۳۸۴
- ۲- «کودکان خیابانی در بمبئی و کلکته»، دفتر یونیسیف در تهران، ۱۳۸۱
- ۳- «بررسی روشهای گوناگون مبارزه با کار کودک»، یونیسیف و مرکز بین المللی رشد کودک.
- ۴- «کودکان و نوجوانان خیابانی»، حسن ملکی، نشر آبیژ، ۱۳۸۵
- ۵- «ادبیات فارسی کنترل آسیب های اجتماعی در کشور های جهان» - محمد رضا جوادی یگانه - معاونت پژوهشی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، بهمن ۱۳۸۱
- ۶- «راهکارهای مناسب جهت کنترل پدیده کودکان خیابانی»، معاونت پژوهشی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی خرداد ۱۳۸۱
- ۷- «بررسی عوامل مؤثر در بروز و شیوع پدیده کودکان خیابانی و ارائه راهکارهای مداخله ای و پیشگیرانه»، مجری: دکتر سید حسن حسینی ۱۳۸۲ (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، سازمان بهزیستی کشور و دانشگاه تهران).
- ۸- خبرها ومقاله های جراید و خبرگزاری ها در سالهای ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶
- ۹- مستندات دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی بهزیستی کشور.
- ۱۰- سایت های اینترنتی مربوط به کودکان خیابانی به زبان انگلیسی.

۱۱- “Street Children in the Developing World: A Review of Their

Condition” , by:”Lewis Aptekar, 1993.